

انگلیس و ژاندارمری فارسی

آوات ابراهیمی^۱

مقدمه:

پس از به توپ بسته شدن مجلس و دخالت روسیه در مسایل سیاسی و اقتصادی ایران، دولت انگلیس در مناطق جنوبی ایران به تکاپو افتاد. انگلیسی‌ها می‌خواستند روسها را که بیشترین سهم صادرات و واردات ایران را به خود اختصاص داده بودند، زمینگیر کرده، مانع از پیشروی آنها به سرزمین هند شوند؛ بنابراین به دخالت بیشتر نظامی و اقتصادی در ایران روی آوردند و دامنه فعالیت‌های اقتصادی خود را در جنوب ایران گسترش دادند، اما از آنجا که امنیت راههای کاروانرو، نقش بسزایی در رونق تجاری اتباع انگلیسی داشت، آنها برای حفاظت از تجارت و بازرگانی خود، طی اولتیماتومی، دولت ایران را برای ایجاد امنیت، تحت فشار قرار دادند. آنان پس از مدتی، نیروی نظامی متشکل از افراد انگلیسی و هندی را در بوشهر پیاده نمودند و تعدادی از آنها را به شیراز گسیل داشتند. دولت ایران به ناچار، فرمان تشکیل ژاندارمری را صادر کرد که قانون آن در مجلس دوم شورای ملی به تصویب رسید. این نیرو پس از ورود به فارس، امنیت راهها را در مسیر جاده بوشهر- شیراز ایجاد نمود و بسیار زود به هدف خود دست یافت، اما پس از مدتی، فرماندهان سوئدی و افراد ایرانی این نیرو، از دخالت انگلیس به ستوه آمدند و تحت تأثیر تبلیغات آلمانیها و حس وطندوستی افسران جزء و سربازان- که ایرانی بودند- دست به قیام زدند. قیام‌کنندگان، افراد مستقر در کنسول‌گری انگلیس را دستگیر کردند و در پی مقابله با دخالت بیگانگان برآمدند.

با توجه به این مباحث، در ادامه به بررسی علل تشکیل ژاندارمری فارس، فراز و فرودهای آن، اسباب قیام و نتیجه اقداماتشان در برابر انگلیس و طرفدارانش خواهیم پرداخت.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

زمینه‌ها و علت‌های شکل‌گیری ژاندارمری فارس

تأمین امنیت راه‌های تجاری و مواصلاتی در عصر مشروطه از سوی حاکمان ایالت‌ها، به قراسوران‌ها^۱ واگذار می‌شد. عملکرد آن‌ها تا هنگامی که زیر نظر دولت بودند، رضایت‌بخش بود. دولت با هدف کاستن از هزینه‌ها، حراست و نگهبانی راه‌ها را به خان‌های محلی واگذار نمود و تشکیلات قراسوران را تابع آن‌ها نمود؛ با این اقدام، قراسوران کارآیی خود را از دست داد.^۲ تعدی و تجاوز این گروه و ارتباط‌های سازشکارانه و همکاری آن‌ها با خان‌ها و قدرت‌های محلی، ناشی از همین مسئله بود. وجود قراسوران‌ها و قدرت‌های محلی خودکامه و سودجو در مسیر راه‌های تجاری جنوب، عبور و مرور کاروان‌های تجاری را مختل می‌ساخت، از این رو دولت انگلستان که شرایط فوق را برای تثبیت جایگاه خود در جنوب و خصوصاً در فارس نامساعد یافت، وارد عمل شد و دولت ایران را وادار به ایجاد نیرویی برای تأمین امنیت راه‌های جنوب کرد. کالاهای وارداتی به ایران از طریق بوشهر، در شیراز که اولین بازار عمده فروش آن‌ها بود، به تجار ایرانی عرضه می‌شد و آن‌ها نیز این اجناس را در سایر شهرهای ایران توزیع می‌کردند. بیشتر واردات ایران از بندر بوشهر را کالاهای انگلیسی تشکیل می‌داد که شامل انواع پارچه‌های ابریشمی، نخ، پشمی و مخملی، فلزات، قند، شکر، شمع و... بود. تولیدات اصلی ایالت فارس از جمله تریاک، پنبه، کتیرا و...، از آنجا به خارج صادر می‌شد.^۳

کاروان‌های تجاری در مسیر بوشهر - شیراز موظف به پرداخت عوارضی به نام راهداری بودند. افرادی با عنوان راهدار با رؤسای خود در تمام شهرها و روستاهای واقع در امتداد جاده‌ها، این عوارض را از کاروان‌ها اخذ می‌کردند. هر کاروان با پرداخت مبلغی مشخص به عنوان حق راهداری، می‌توانست از وجود کشیکچی و چند قراول مسلح تا منزل دیگر بهره‌گیرد.^۴ میزان عوارض راهداری در قسمت‌های مختلف جاده بوشهر - شیراز متفاوت بود؛ راهدارها علاوه بر پولی که به عنوان حق راهداری از کاروانها می‌گرفتند، از کالاها و اجناس آن‌ها نیز مقداری برمی‌داشتند و هیچگونه تضمینی برای جلوگیری از غارت اموال کاروانها نمی‌دادند. در مواقعی که راهزنان کاروانی را غارت می‌کردند، راهدارها در مقابل هیچ مقامی در این مورد پاسخگو نبودند.

در سال ۱۹۰۳ م. (۱۳۲۰ ق)، قرارنامه گمرکی بین ایران و انگلیس امضا شد که بر اساس فصل چهارم آن، دولت ایران متعهد شد همه حقوقی را که به اسم راهداری و نگهداری راه‌های کاروانرو اخذ می‌شد، متوقف نماید و در هیچ نقطه‌ای اجازه ندهد حق راهداری دریافت شود، مگر در راه‌های ازبهره که در آن

۱. قراسوران یعنی کسانی که از طرف حکام در راه‌ها بنشینند تا قافله‌ها را در منازل مخوفه حفظ نمایند: صفائی، ابراهیم، برگ‌های تاریخ، بابک، تهران: ۱۳۵۵، ص ۱۳۶
۲. افسر، پرویز، تاریخ ژاندارمری ایران، قم: بی‌نا، ۱۳۳۲، ص ۲۲.
۳. اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم (گزارش هیئت بازرگانی هند بریتانیا اعزامی به جنوب شرق ایران ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵) ترجمه معصومه جمشیدی و دیگران تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶. ص ۳۲.
۴. احمد بشیری، کتاب آبی، ج ۸، تهران: نشر نو، ۱۳۶۲، ص ۱۹۱۵.

عملیات راهداری صورت گرفته باشد.^۱ با وجود این، عوارض راهداری همچنان در نقاط مختلف کشور از جمله در فارس اخذ می‌شد، زیرا حکومت مرکزی ناتوان‌تر از آن بود که بتواند از این امر جلوگیری کند. در پی شکلگیری انقلاب مشروطیت (سال ۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۶ م.) تسلط دولت بر ایالات و ولایات کاهش یافت و انگلستان به منظور پاسداری از منافعش در ایران - که از سال ۱۹۰۸ م. نفت نیز بدان افزوده شده بود - به‌طور فزاینده‌ای با قدرت‌های محلی ایران به توافق‌هایی دست یافت.^۲ با عقد قرارداد ۱۹۰۷ م. و تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ و یک منطقه بی‌طرف، رقابت تجاری روس و انگلیس، وارد مرحله جدیدی شد. منطقه نفوذ انگلیسی‌ها از لحاظ سیاسی و حفاظت از هند، برای آن‌ها اهمیت داشت، اما گسترش تجارت و همچنین کشف نفت در منطقه بی‌طرف به وسیله انگلیسی‌ها موجب گسترش فعالیت‌های اقتصادی آنان در این حوزه شد.^۳

حجم عمده‌ای از مبادلات تجاری انگلستان با ایران از طریق بندر بوشهر، در کرانه خلیج فارس صورت می‌گرفت. این بندر از سال ۱۷۷۸ م. که کمپانی هند شرقی قرارگاه اصلی خود را از بندر بصره به آنجا منتقل کرد، از نظر بازرگانی و سیاسی به صورت مرکز عمده بریتانیا در خلیج فارس درآمد بود.^۴ رقیب اصلی انگلیسی‌ها در عرصه تجارت داخلی ایران، روس‌ها بودند. آن‌ها به دلیل هم‌مرز بودن با ایران، به راحتی کالاهای خود را در بازارهای آن عرضه می‌کردند و از این رو بیش از نیمی از مبادلات تجاری ایران را در انحصار خود داشتند. گسترش نفوذ تجاری روس در مرکز و جنوب، از نظر مقام‌های انگلیسی، بسیار زیان‌آور بود.^۵ با وجود تلاش‌های انگلیسی‌ها برای ممانعت از گسترش این تجارت، روس‌ها در خلال جنگ اول، حدود هفتاد درصد صادرات و پنجاه درصد واردات ایران را به خود اختصاص داده بودند که تقریباً دو سوم کل تجارت ایران را شامل می‌شد.^۶ اوضاع آشفته قبایل تنگستانی، قشقایی و ایلات خمسه در جنوب ایران، موجبات مداخله انگلستان را در منطقه فراهم آورد و ناوگان انگلیس برای پاسداری از هیئت‌های خود در سال ۱۹۰۹ م. در بوشهر و در سال ۱۹۱۰ م. در بندر لنگه پیاده شد و در سال ۱۹۱۱ م. گارد محافظت کنسولی را تقویت کرده، یگان‌های سواره نظام هندی را به شیراز و اصفهان گسیل داشت.

دولت ایران برای تأمین امنیت راه‌های جنوب کشور، درصدد تشکیل ژاندارمری در فارس برآمد که این اقدام میبایست به تأیید روسیه و انگلیس می‌رسید، زیرا آن‌ها با هر اقدامی که به نوعی موقعیتشان را در ایران تضعیف می‌کرد، مخالف بودند، بنابراین با توافق سفرای روس انگلیس در تهران، تصمیم گرفتند از

۱. ویلهلم، لیتن، *ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحماگی*، ترجمه مریم احمدی، تهران: معین، ۱۳۶۷، ص ۳۱۷.
۲. رکن‌زاده، محمد حسین و فریدون آدمیت، *فارس و جنگ بین‌الملل*، تهران: اقبال، ۱۳۴۹، ص ۹۹.
۳. همان، ص ۹۹.
۴. رایت، دنیس، *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹، ص ۱۳.
۵. قاسمی، ابوالفضل، *کشف تلبیس یا دورویی و نیرنگ انگلستان*، تهران: سپهر، چاپ دوم، ۱۳۵۷، ص ۱۸۹.
۶. عیسوی، چارلز، *تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار ۱۳۲۲-۱۲۱۵ ق.*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: گستر، چاپ دوم، ۱۳۶۱، ص ۱۲۷.

سوئد که یک کشور بی طرف بود صاحب منصب استخدام کنند.^۱ و در عین حال دولت انگلستان که یکی از عوامل اصلی کاهش حجم تجارت خود با ایران را ناامنی راه‌های جنوب می‌دانست، برای تأمین امنیت این راهها، به تحقیق دربارهٔ ایجاد نیروی نظامی به فرماندهی افسران انگلیسی در جنوب ایران پرداخت.^۲ این طرح به دو صورت قابل اجرا بود: نخست تشکیل نیرویی از افراد ایرانی تحت فرماندهی انگلیس به شیوهٔ بریگاد قزاق که تحت تعلیم و فرماندهی افسران روسی بودند و دوم تأسیس نیروی مورد نظر انگلیسی‌ها به سرپرستی و فرماندهی گروهی از افسران یکی از دولت‌های بی طرف.

همچنین هیئت بازرگانی هند بریتانیا که در سال‌های ۱۹۰۴-۱۹۰۴ م. / ۱۳۲۳ - ۱۳۲۲ ق. به جنوب شرق ایران سفر کرده بودند، در گزارش خود، ضرورت تشکیل نیروی نظامی برای حفاظت از راههای جنوب ایران را یادآور شده بودند؛ از این رو وزیر مختار انگلیس در تهران از مورگان شوستر درخواست کرد که ژاندارمری خزانه، تأمین امنیت این راهها را برعهده بگیرد. او انجام این کار را منوط به کمک مالی دولت انگلیس در تکمیل ژاندارمری خزانه دانست. هدف اصلی شوستر این بود که «امنیه» و سایر عوامل مسلح دست‌اندرکار محافظت جاده‌ها را درهم ادغام سازد و از نیرویی جدید، در کار وصول مالیات استفاده نماید، ولی مشکلات متعددی که مقامات گوناگون ایرانی بر سر راه وی ایجاد کردند، باعث شد شوستر از اجرای این برنامه چشم‌پوشی کند و در عوض، ژاندارمری خزانه را بنیاد نهد.

ژاندارمری خزانه، به استثنای چند افسر اروپایی و آمریکایی، به‌طور کلی از افراد ایرانی تشکیل شد و به رغم هدف اولیهٔ آن که جمع‌آوری عواید گمرکی و مالی بود، رفته‌رفته قدرت گرفت، به گونه‌ای که از افراد آن برای پاسداری جاده‌ها نیز استفاده می‌شد.^۴ برای تشکیل نیرویی کاملاً ایرانی، از جمله استخدام مستقیم و انتقال افسران از سایر تشکیلات، گام‌های مهمی برداشته می‌شد و شخص شوستر بر گزینش افسران نظارت می‌کرد.^۵ با اولتیماتوم روس‌ها و اخراج شوستر از ایران، تلاش انگلیسی‌ها برای استفاده از ژاندارمری خزانه برای اعاده نظم و امنیت در راه‌های جنوب، بی نتیجه ماند.^۶ بالاخره در دهم شوال ۱۳۲۸ ق. / ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰ م. دولت انگلستان پس از هماهنگی با روس‌ها، طی اولتیماتومی به دولت ایران اعلام کرد: «در صورتی که ظرف سه ماه امنیت در جادهٔ بوشهر - اصفهان برقرار نشود، دولت انگلستان، خود وارد عمل خواهد شد و امنیت این جاده را با نیرویی متشکل از هزار تا هزار و دویست نفر از افراد محلی تحت فرماندهی صاحب منصبان انگلیسی و برقرار خواهد کرد و آن مخارج را از مالیات ایالت فارس و ده درصدی

۱. نصیری طیبی، منصور، *ایالت فارس و قدرت‌های خارجی از مشروطیت تا سلطنت رضا شاه*، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهش وزارت امور خارجی، ۱۳۸۴، ص ۷۵.
 ۲. قائم مقامی، جهانگیر، *تحولات سیاسی نظام ایران*، تهران: کتاب‌فروشی محمدعلی علمی، ۱۳۳۶، ص ۱۲۵.
 ۳. شوستر، مورگان، *اختناق در ایران*، ترجمه: ابوالحسن موسوی شوشتری، تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۶۲، ص ۷۷.
 ۴. اخوان، صفا، *ایران و جنگ جهانی اول*، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، ص ۲۴۰.
 ۵. یکرنگیان، میرحسین، *سیری در تاریخ ارتش ایران (از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰)*، تهران: خجسته، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹.
 ۶. شعفی، هاشم، *تاریخچهٔ ژاندارمری کل کشور*، تهران: وزارت کشور، ۱۳۲۶، ص ۶.

که بر حقوق گمرکی واردات از بنادر جنوب افزوده می‌شود، تأمین خواهد کرد».

حسین قلیخان نواب، وزیر امور خارجه ایران، وضعیت ناامن در جنوب ایران را ناشی از حضور نیروهای خارجی در کشور و حمایت آن‌ها از اشرار و مخالفان دانست و ادعای انگلیس مبنی بر کاهش واردات آن کشور به ایران را به دلیل ناامنی راه‌ها رد کرد.^۱ این اولتیماتوم در بین مردم ایران با مخالفت‌های شدیدی روبرو شد و حتی علمایی مانند آیت‌الله میرزا ابراهیم محلاتی، از مجتهدین شیراز، هرگونه داد و ستد با انگلیسی‌ها را حرام اعلام نمود.^۲

دولت انگلیس پس از اولتیماتوم، نیرویی متشکل از دو گروهان سوار و یک گروهان پیاده را در ۲۶ شوال ۱۳۲۹ ق. / ۱۷ اکتبر ۱۹۱۱ م. در بوشهر پیاده کرد و در جواب اعتراض‌های دولت ایران به این قضیه چنین نوشت: «وقتی که نقشه دولت ایران برای امنیت راه‌های جنوب به کار افتاد و اثرات خود را بخشید، قشون اضافه‌شده، عودت داده خواهند شد».^۳

تحریم داد و ستد با انگلیسی‌ها موجب شد که نیروهای انگلیسی در شیراز با کمبود آذوقه و مایحتاج اولیه خود مواجه شوند، به نحوی که کنسول انگلیس در شیراز از وزیر مختار آن کشور در تهران تقاضا کرد تا با دولت ایران برای رفع تحریم خرید و فروش کالا با انگلیسی‌ها وارد مذاکره شود. وزارت داخله ایران نیز پس از گرفتن قول مساعد از وزیر مختار انگلیس مبنی بر خارج کردن نیروهای انگلیسی از جنوب، از علما و مجتهدین شیراز درخواست کرد بنا به مصلحت کشور و جهت جلوگیری از تشنج، حکم رفع تحریم داد و ستد با انگلیسی‌ها را صادر کنند، اما نیروهای انگلیس عملاً تا تشکیل ژاندارمری، در فارس باقی ماندند.^۴ دولت ایران پس از اولتیماتوم دولت انگلیس، برای تأمین امنیت راه‌های جنوب کشور، در صدد تشکیل ژاندارمری در فارس برآمد و بدین منظور، از ژنرال مالتا، افسر ایتالیایی که از سال ۱۳۰۲ ق. / ۱۸۹۲ م. استخدام وزارت جنگ بود، دعوت کرد و در محرم ۱۳۲۹ ق. / ژانویه ۱۹۱۱ م. قراردادی به مدت سه سال با او منعقد کرد که به موجب آن، ژنرال مالتا می‌بایست هرچه سریع‌تر برای تشکیل ژاندارمری فارس اقدام کند.^۵ دولت ایران در نظر داشت بودجه ژاندارمری فارس را از وامی که قرار بود از دولت انگلیس اخذ شود، تأمین نماید و اعتبار لازم را برای این منظور، در اختیار حاکم فارس قرار دهد تا هزینه‌های ژاندارمری با نظارت او پرداخت گردد.

به هر حال، ژنرال مالتا در صفر ۱۳۲۹ ق. / هشتم فوریه ۱۹۱۱ م. به سوی شیراز حرکت کرد و پس

۱. بشیری، ج ۴، ص ۹۵۱.

۲. ترکمان، محمد، اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، ص ۲۴۹-۲۷۵.

۳. بشیری، ج ۶، ص ۱۲۹۱.

۴. ترکمان، ص ۳۲۳-۳۲۴.

۵. قائم مقامی، جهانگیر، تاریخ ژاندارمری ایران، تهران: اداره روابط عمومی ژاندارمری کشور شاهنشاهی، ۲۵۳۵، ص ۱۰۳.

از چند روز، وارد شیراز شد. همان طور که او پیش‌بینی کرده بود، در شیراز با مشکلات و دشواری‌های فراوانی روبرو شد، زیرا دولت موفق نشد اعتبارهای لازم را برای ژاندارمری فارس تأمین کند و علاوه بر این نظام‌السلطنه، حکمران فارس، از همکاری با او خودداری کرد.^۱ وضعیت مالی ایران در آن زمان به حدی بحرانی بود که یارای مساعدت وی را نداشت. ژنرال مالنا ناچار به تهران فراخوانده شد تا به خدمت در وزارت جنگ ادامه دهد. دولت ایران پس از عدم موفقیت تشکیل ژاندارمری فارس، در صدد استخدام تعدادی افسر خارجی برای این منظور برآمد و پس از کسب توافق روسیه و انگلستان، لایحه استخدام افسران خارجی برای ژاندارمری را تقدیم مجلس شورای ملی کرد. لایحه مزبور در سوم ژانویه ۱۹۱۱ / دوم محرم ۱۳۲۹، با اکثریت آرا در مجلس به تصویب رسید. تأسیس ژاندارمری دولتی به‌وسیله مجلس دوم، نشان‌دهنده تلاش مهمی بود که در دوران مشروطیت به دست دولت ایران برای ایجاد نوعی سازمان قدرتمند جدید و ملی که به صورت تمام و کمال در مقابل مقامات ایرانی پاسخگو باشد، انجام شد؛ این اقدام در واقع به مثابه پایدارترین طرح از سلسله طرح‌هایی بود که برای نوسازی نیروهای مسلح به ریاست افسران خارجی اجرا می‌شد.^۲

اولین اقدام افسران سوئدی، استخدام افراد محلی در نیروی ژاندارمری بود. بیشتر افراد داوطلب خدمت در ژاندارمری، از اهالی ایالت و روستاییان بودند.^۳ آن‌ها برای تأمین نیروی موردنیاز، اعلان‌هایی را منتشر کردند؛ از جمله شرایط استخدام این بود: سن افراد نباید کمتر از هجده و بیشتر از ۲۵ باشد؛ اشخاص باسواد و صاحب‌نظر بر سایرین ترجیح داده می‌شوند؛ برای هر یک از افراد واجد شرایط خدمت در ژاندارمری پس از دخول در شغل، تمام وسایل از لباس، غذا، منزل و اسلحه فراهم می‌شود؛ مدت خدمت سه سال است و بعد از این مدت، در ترک یا ادامه خدمت مختارند.^۴

اولین دسته ژاندارم اعزامی به فارس که تعدادشان ۴۵۰ نفر بود، در ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ق. / یک مارس ۱۹۱۳ م. به فرماندهی ماژور پطروسن، از تهران به سوی شیراز حرکت کرد. این دسته وظیفه داشت ضمن پاکسازی راه اصفهان - شیراز از وجود اشرار و راهزنان در آباءه، ده بیر، سیوند و زرقان، پاسگاه‌های ژاندارمری را مستقر کند. اولین دسته ژاندارم، ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ ق. / یک آوریل ۱۹۱۳ م. وارد شیراز شد و مورد استقبال مردم و مقام‌های محلی قرار گرفت.^۵

گروه دوم در شانزدهم جمادی‌الاول ۱۳۳۱ ق. / ۲۴ آوریل ۱۹۱۳ م. به شیراز اعزام شدند. آن‌ها وظیفه داشتند ضمن تقویت نیروهای ژاندارمری در فارس، پاسگاه‌هایی را در مسیر شیراز بوشهر ایجاد نمایند. احمد

۱. همان، ص ۱۰۴.

۲. گرونین استفان، ارتش و حکومت پهلوی، ترجمه غلامرضا علی‌بابایی، تهران: خجسته، ۱۳۷۷، ص ۳۷.

۳. نصیری طیبی، ص ۷۶.

۴. روزنامه آفتاب، سال اول، ش ۲۴، ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۰، ص ۲.

۵. قائم مقامی، جهانگیر، تاریخ ژاندارمری ایران، ص ۱۶۹.

شاه، هنگام عزیمت این گروه به شیراز، از آن‌ها سان دید و نظم و انضباط آن‌ها را تحسین کرد.^۱ با استقرار نیروهای ژاندارمری در شیراز، اولین اقدام افسران سوئدی در این زمینه، استخدام افراد محلی در نیروی ژاندارمری بود. پرداخت حقوق و جیره منظم در نام‌نویسی افراد محلی، جهت خدمت در ژاندارمری، تأثیر بسزایی داشت. فرماندهان ژاندارمری، مقتولین و زخمی‌ها را کماکان در لیست حقوق خود حفظ می‌کردند تا معیشت وارث یا خانواده آن‌ها تأمین گردد؛ علاوه بر این در بعضی مناطق، جوانان صرفاً به دلیل داشتن روح میهن‌پرستی به خدمت ژاندارمری درمی‌آمدند؛^۲ بنابراین سربازگیری با استقبال قابل توجه مردم روبرو شد تا جایی که از هر صد نفر، ۹۵ نفر به استخدام ژاندارمری درآمدند و این پنج درصد، مزاد بر نیاز بودند.^۳

ظهور ژاندارم به معنی سلطه حکومت مرکزی بر جاده فارس و سایر نقاط بود و این برای خان‌ها و سران قبایل خوشایند نبود. ایجاد موفقیت‌آمیز پست‌های ژاندارمری در طول جاده‌هایی که کاروان‌های تجاری از آن‌ها عبور می‌کرد، به منزله قطع کامل وصول عواید پرمفعتی موسوم به «عوارض راهداری» بود. وظیفه اصلی ژاندارمری فارس، متوقف ساختن باج‌خواهی و خارج کردن این گنج بادآورده از چنگ خانها بود؛ بنابراین خوانین دست به کارشکنی زدند.^۴ اولین مأموریت ژاندارمری فارس پس از استقرار در شیراز، تأسیس پاسگاه‌هایی در مسیر جاده شیراز بوشهر و حمل اسلحه‌های خریداری شده از آلمان بود. از پاسگاه‌های شیراز - بوشهر می‌توان به پاسگاه‌های مستقر در کازرون، کنار تخته، برازجان و بوشهر اشاره نمود.^۵ وضع راه‌های کاروان‌رو منظم شد، سرقت و راهزنی دیگر به وقوع نمی‌پیوست و قافله‌های ایرانی و انگلیسی، بی‌آنکه کمترین آسیب و زبانی ببینند، در راه‌ها به رفت و آمد مشغول شدند؛ از این روست که سفیر انگلیس در این باره نوشت: «آن‌ها همگی، سربازهای قابل‌هستند که جداً مشغول خدمت می‌باشند.»^۶ بارها شاهد این مسئله هستیم که تجار فارس، طی نامه‌های خود به مجلس شورای ملی، خواهان ابقای این نیرو، حتی با دادن ثلث مالیات خود بوده‌اند.^۷

با استقرار نیروی ژاندارمری در فارس، به آندسته از سواران هندی که پس از اولتیماتوم انگلیس برای محافظت از اتباع خود در ۱۳۲۸ ق. / ۱۹۱۰ م. به شیراز اعزام شده بودند، اطلاع داده شده که دیگر نیازی

۱. روزنامه آفتاب، سال اول، ش ۱۷۵، ۲۲ جمادی الاول، ۱۳۳۱ ق / ص ۳.

۲. سفیری، فلوریدا، پلیس جنوب ایران، ترجمه منصوره اتحادیه و منصوره جعفری فشارکی، تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۴، ص ۱۷۲.

۳. روزنامه حبل‌المتین، سال اول، ش ۲۶، ۲۱ صفر ۱۳۳۲، ص ۹.

۴. گرونین استغان، ص ۴۷.

۵. بشیری، ج ۸، ص ۱۷۰۳.

۶. روزنامه حبل‌المتین، سال ۲۱، ش ۲۱، ۲۱ محرم ۱۳۳۲، ص ۲.

۷. همان، ص ۱۱۲.

۸. نصیری‌طیبی، منصور، اسناد فارس در دوره دوم و سوم مجلس شورای ملی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶۳-۱۶۵۱.

نیست در فارس بمانند و می‌بایست از طریق بندر بوشهر، از ایران خارج شوند.^۱ با وجود مشکلات اولیه، وضعیت ژاندارمری فارس، رفته‌رفته رو به بهبودی نهاد و خوانین محلی نیز شروع به همکاری با این نیرو نمودند. بیشترین هزینه‌های ژاندارمری را انگلیسی‌ها می‌پرداختند و پس از مدت‌ها بحث و گفت‌وگو میان دولت ایران و انگلیس بر سر تشکیل ژاندارمری در ۱۳۳۰ ق. / ژانویه ۱۹۱۲ م. با وام مشترک روس و انگلیس به ایران به مبلغ دویست هزار لیره موافقت شد؛ قرار بر این بود که هزینه ژاندارمری را دولت انگلیس و بخش کمی از آن را دولت ایران بپردازد.^۲

هدف اصلی انگلیس از ایجاد ژاندارمری فارس جدا از امنیت راه‌های جنوب، این بود که قوه منظمی مقابل نیروی قزاق روسها تشکیل دهد.^۳ افسران سوئدی که در ابتدای کار به این مقصود و هدف انگلیسی‌ها پی نبرده بودند، خود را به آنها نزدیک می‌کردند، چنان‌که کلنل یالمارسون در روزهای نخست، با سفیر انگلیس در تهران برای امور مربوط به تشکیل ژاندارمری مشورت می‌کرد و غالباً گوش‌شنوایی داشت و مسائل را با او در میان می‌گذاشت؛ اما کارشکنی‌ها در قبال نیروی ژاندارم از سوی دولت روس و انگلیس بسیار زود آغاز شد. این نیرو در حفظ بازرگانی انگلیس نقش اساسی داشت، اما دولت انگلیس دیگر علاقه‌ای به این نیرو نشان نمیداد، زیرا فرماندهان ژاندارمری حاضر نبودند آلت فعل سیاست انگلیس شوند؛ در نتیجه، انگلیس برخلاف گذشته، حقوق ژاندارمری را نپرداخت و دولت ایران هم در نتیجه پشتیبانی نکردن انگلیس، سرانجام از پرداخت هزینه ژاندارمری ناتوان ماند. افسران سوئدی ژاندارمری تحت نفوذ سفارت آلمان قرار داشتند و در بیشتر موارد با آلمانی‌ها همکاری می‌کردند؛^۴ بنابراین روس و انگلیس به نوبه خود سعی داشتند از راه فشارها و تضییقات مالی، سازمان ژاندارمری را از هم بپاشند.^۵

مخالفت روس با ژاندارمری، فقدان پول، سلب اعتماد عمومی از این نیرو و دسیسه‌ها و تحریکات محلی، به استعفای برخی از افسران سوئدی، انفصال بخشی از نیروهای آن و میل به شورش در میان آنان منجر شد.^۶ به دنبال این مسائل و تحریکات افسران سوئدی ژاندارم و دخالت‌های دولت آلمان در ژاندارمری فارس، زمینه‌های قیام ژاندارمری در فارس فراهم شد. بعد از قبضه بوشهر به دست انگلیسی‌ها، مردم شیراز بیش از پیش خشمناک شدند. حزب دمکرات که تقریباً منحل شده بود، با تلاش مخبرالسلطنه، والی ایالت فارس، بار دیگر تشکیل گردید، کمیته مرکزی حزب معین شد و در کار ضد اجانب و طرفداران آنها داخل گردید.

۱. نصیری طیبی، منصور، ایالت فارس و قدرت‌های خارجی، ص ۷۶.

۲. سفیری، ص ۳۴.

۳. علی بابایی، غلامرضا، تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا عصر پهلوی، تهران: آشیان، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰.

۴. گرکه، اولریخ، پیش به سوی شرق (ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول)، ترجمه پرویز صدری، تهران: کتاب سیامک، ۱۳۷۷، ص ۱۱۳.

۵. احرار، احمد، توفان در ایران، ج ۱، تهران: نوین، ۱۳۵۲، ص ۳۱۸.

۶. مایرلی، جیمز، عملیات در ایران (جنگ جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹)، ترجمه کاوه بیات، تهران: آرمان، ۱۳۶۹، ص ۷۹.

از آن طرف، انگلیس با امداد به طرفدارن داخلی خود، نقشهٔ عزل و انفصال مخبرالسلطنه را به سفارت انگلیس در تهران مخابره و او را به دوستی با آلمانها و عداوت با روس و انگلیس متهم کرد. این مسئله باعث عزل مخبرالسلطنه از شیراز و رفتن او به تهران گشت.^۱ مخبرالسلطنه در برلن درس خوانده بود و گرایش به آلمان در او دیده میشد.^۲ پس از برکناری مخبرالسلطنه هدایت از مقام ایالت فارس و انتصاب موقت میرزا حبیب‌الله خان قوام‌الملک به جای وی، گروههای ضد انگلیسی با همراهی و مساعدت عوامل آلمانی بر فعالیتهای خود افزودند و همزمان با بحران حکومت مرکزی و قرارداد پنهانی مستوفی‌الممالک با آلمانیها، شرایط برای قیام ژاندارمری و تأسیس حزب فراهم گردید.^۳ این حزب توسط افسران ایرانی ژاندارمری ایجاد شد که مشهورترین این افسران یاور علی‌قلی خان بود. فرماندهی سوئدی ژاندارمری فارس، کاپیتان انگمن ظاهراً در جریان همکاری ژاندارمری با داوطلبان نظام ملی، مداخله‌ای نداشت، اما همانند سایر صاحب-منصبان سوئدی ژاندارمری، باطناً طرفدار متحدین بود.^۴

در فارس، تشکیلات حزب دمکرات، قدرت و نفوذ زیادی کسب کرده بود. علاوه بر شخصیت‌های محلی، گروهی از صاحب‌منصبان و افراد ژاندارمری نیز عضویت حزب دمکرات را پذیرفته بودند. افراد این حزب برای پیشبرد اهداف خود، از کنسول آلمان استفاده کردند، زیرا به لحاظ مالی، کنسول آلمان در شیراز در آن برههٔ زمانی - به دلیل اینکه دولت متبوعش درگیر جنگ جهانی بود - نمی‌توانست کمک چندانی به قیام ژاندارمری کند و حتی مبلغی که ووسترو، کنسول آلمان، پرداخت می‌کرد، به سختی کفاف ژاندارمری را می‌داد؛^۵ البته گفتن این جمله همراه تردید است، زیرا اگر هزینهٔ حزب را کنسول آلمان می‌داد، دیگر لزومی نبود یاور علی‌قلی خان برای تأمین مالی، دست استمداد سوی چند تن از ثروتمندان و تجار درجه اول شیراز، از جمله حاجی عبدالرحمن کمپانی و محمد ابراهیم خان مشیری دراز کند و به نام «اعانه»، مبلغی جمع کند.^۶

از دیگر زمینه‌هایی که قیام ژاندارمری را تسریع بخشید، به شهادت رسیدن رئیس‌علیخان دلواری بود. با شهادت وی، طرفداران حزب دمکرات شروع به فعالیت کردند و در مجلس ترحیمی که برای او برگزار شده بود، سید ابراهیم ضیاء‌الواعظین به خطابه پرداخت.^۷ مشکل دیگر، قوام‌الملک، نایب‌الایالهٔ فارس، از طرفداران دولت انگلیس بود؛ بنابراین ژاندارمری درصدد بود قوام‌الملک را با خود همراه سازد، زیرا او از منتقدین درجه اول فارس بود و اگر با افکار حزب همراه نمیشد یا بی‌طرفی اختیار نمی‌کرد، جنگ داخلی

۱. رکن‌زاده و آدمیت، ص ۱۸.

۲. داگو برت، فن میگوش، واسموس، کیکاوس جهانداری، قم: مؤسسهٔ فرهنگی همسایه، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲.

۳. بیات، کاوه، اسناد جنگ جهانی اول در جنوب ایران، قم: مؤسسهٔ فرهنگی همسایه، ۱۳۷۷، ص ۵.

۴. همان، ص ۳۵۴.

۵. گرکه، ج ۲، ص ۷۶۳.

۶. احرار احمد، توفان در ایران، ص ۵۸۴.

۷. رکن‌زاده محمد حسین، آدمیت، فارس و جنگ بین الملل، ص ۹۵-۱۰۱.

شروع می‌گردید و تمام قوا، صرف منازعه و کشمکش با آن‌ها میشد.^۱ بعد از شروع قیام، ژاندارمری فارس در اندیشهٔ نیرو رساندن به مجاهدان بوشهر بود، اما خود رسماً نمی‌توانست وارد جریان شود؛ در نتیجه، کار آموزش افراد داوطلب «نظام ملی» و مسلح کردن آنان را - که در سوگ کشته‌شدن رئیس‌علی دلواری در «مسجد نو» گرد آمده بودند- بر عهده گرفت. در حالی که قوام‌الملک می‌کوشید تهران را در جریان امر بگذارد، هفتصد تن از نیروهای نظام ملی در نهم ذی‌قعدة ۱۳۳۳ ق. / هجدهم سپتامبر ۱۹۱۵ م، به ریاست آقا شیخ جعفر مجتهد محلاتی، از روحانیون شیراز، و فرماندهی محمدخان زند، به سوی بوشهر حرکت کردند.^۲ کنار این اقدام ژاندارمری، از مدتی قبل، خبرهایی مبنی بر احتمال اقدام ژاندارمری ضد کنسولگری بریتانیا به گوش می‌رسید. این خبر، اوکانر، کنسول بریتانیا در فارس را به تکاپو واداشت و در نهایت، منجر شد که تلگرافی از سوی کلنل ادوال، رئیس کل ژاندارمری، مبنی بر احضار همهٔ ژاندارم‌های شیراز مخابره شود، اما یاور علی‌قلیخان و یاران او پیش‌دستی کردند و پیش از آنکه دستور دولت به ژاندارم‌ها ابلاغ شود، دموکرات‌ها را مطلع ساختند. به کوشش دموکرات‌ها، گروه زیادی از اهالی شیراز در تلگرافخانه متحصن شدند. تلگراف‌های تندی به تهران مخابره شد که ابقای ژاندارمری را درخواست کرده بودند؛ بدین ترتیب کوشش انگلیسی‌ها برای برانداختن ژاندارمری، به جایی نرسید.^۳

پس از رفع خطر انحلال ژاندارمری فارس، شماری از صاحب‌منصبان ژاندارمری از جمله نایب علی‌رضاخان، نایب حسنخان، نایب مجیدخان، نایب‌اول محمدتقی‌خان عرب، یاور محمدصادق‌خان کوپال، سلطان حیدرقلی‌خان، سلطان مسعودخان کیهان، سلطان ابوالفتحخان، سلطان ملک‌زاده، کلنل ثقفی، سلطان مسعودخان، سلطان معاضدالسلطان، سلطان غلام‌رضاخان، سلطان شارق‌السلطان، نایب داودخان، سلطان نورالدهر میرزا و سلطان احمد اخگر که دارای حس میهن‌پرستی بودند و از اوضاع تهران و دخالت‌های کشورهای خارجی در امور ایران به تنگ آمده بودند، به رهبری یاور علی‌قلی‌خان پسپان، حزبی به نام «حافظین استقلال» تشکیل دادند.^۴ آنان منویات خود را با عقاید دموکراتیک موافق دیدند، در ۲۸ ذیحجهٔ ۱۳۳۳ ق. / شش نوامبر ۱۹۱۵ م. از احمد حکیم‌اللهی، نمایندهٔ حزب دموکرات، خواهش کردند که اعضای حزب حافظین استقلال را به عضویت بپذیرد و دو حزب متحد شوند؛ این پیشنهاد پذیرفته شد.^۵

اقدامات ژاندارمری پس از تشکیل حزب حافظین استقلال

برنامهٔ این حزب بر آن قرار گرفت که تا دوم محرم، تمام اداره‌ها را تصرف کنند و انگلیسی‌ها را دستگیر کرده، به تنگستان بفرستند؛ امور شهر را کمیتهٔ مرکزی حافظین استقلال در دست گیرد و نیروی نظامی

۱. همان، ص ۱۱۱-۱۱۳.

۲. احمد احرار، *توفان در ایران*، صص ۳۳۲-۳۴.

۳. رکن‌زاده و آدمیت، ص ۱۴۹-۱۵۰.

۴. فراش‌بندی، علی‌مراد، *تاریخچهٔ حزب دموکرات فارس*، تهران: اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۱۷-۱۵.

۵. رکن‌زاده و آدمیت، ص ۱۶۴.

مهیا شود تا اگرچه دشتستانی‌ها نتوانستند در مقابل «اجنبی»‌ها مقاومت کنند، نگذارند دشمن در فارس پیشروی کند.^۱

روزنامه‌ی ارگان این حزب، «حافظ استقلال» نام داشت و در اوایل سال ۱۳۳۴ ق. به مدیریت دکتر ابوالحسن خان منتشر می‌شد.^۲ در ماه محرم، روزنامه‌ی حیات، ارگان حزب دمکرات، مقاله‌ای منتشر کرد شامل آخرین پیام درباره‌ی لزوم قطع رابطه با حکومت تهران، اقدام برای نجات وطن و طرد مزدوران بیگانه. با فرا رسیدن ماه محرم و به ابتکار طراحان قیام، در اداره ژاندارمری، مجلس سوگواری ترتیب دادند تا خطبا و مبلغین حزب دمکرات بتوانند با استفاده از منبر و وعظ و خطابه، آزاد به نشر و تبلیغ نظریات سیاسی خود پردازند.^۳ فرماندهی عملیات ژاندارمری با یاور علی‌قلی خان بود که به دستور وی، سلطان مسعودخان پولادین: مأمور تصرف کنسولگری انگلیس و بانک شاهنشاهی و تلگرافخانه‌ی هند و اروپا؛ سلطان معاضد: مأمور اداره‌ی شهر و برقراری نظم و سلطان غلامرضا خان پسیان: مأمور تصرف ارگ، نظمیه و اداره‌های دولتی شدند.^۴ مستحفظین کنسولگری بدون مقاومت تسلیم شدند. اوکانر، کنسول انگلیس در شیراز دستگیر شد.^۵ کنسول انگلیس می‌گوید: «نیم ساعت به وی فرصت داده شد تا تسلیم شود و او با بهره‌گیری از این فرصت، اسناد و مدارک محرمانه‌ی کنسولگری را از بین برد و سپس تسلیم شد.»^۶

کمیته‌ی حافظین استقلال با ووسترو، کنسول آلمان، در شیراز ارتباط نزدیکی برقرار نمود. به عقیده‌ی برخی، ووسترو طرح دستگیری کنسول و اتباع انگلیسی را به کمیته پیشنهاد کرد و کمیته پس از بررسی طرح او، ژاندارمری را مأمور اجرای آن کرد.^۷ کمیته‌ی حافظین استقلال، اوکانر و سایر اتباع انگلیس را که عبارت بودند از مسیو و مادام فرگوسن، مسیو آیرتن، مسیو اسمیت، تلگرافچی و معاونش، لیو ینگستون تاجر، مسیو و مادام پتیگرو و مسیو و مادام کریستمان را نزد زایرخان فرستادند.^۸

هدف از قبضه کردن پست و تلگراف نیز این بود که قوام‌الملک نتواند با تهران مخابره کند؛ بنابراین موقتاً تلگراف شمال را قطع کرده، همان روز جرائد حافظین استقلال، جام جم، تازیانه و حیات که همگی جراید ارگان حزب دمکرات بودند، مقالات مفصلی ضد قوام‌الملک منتشر کردند و چون ایام عاشورا بود، اداره‌ی ژاندارمری، بنای روضه‌خوانی را گذاشتند و روضه‌خوانان بر فراز منبر، روضه‌ی سیاسی می‌خواندند؛ حضرت

۱. همان، ص ۱۶۶.

۲. محمد صدر هاشمی، تاریخ جرائد و مجلات ایران، ج ۴، اصفهان: کمال، دوم، ۱۳۶۳، ص ۱۹۹.

۳. احرار، ص ۳۵۹.

۴. گرونین استغان، ص ۷.

۵. فراش‌بندی، ص ۳.

۶. اوکانر، فردریک، از مشروطه تا جنگ جهانی اول یا خاطرات فردریک اوکانر، حسن زنگنه، تهران: شیرازه، ۱۳۶۷، ص ۱۰۳.

۷. فراش‌بندی، ص ۳.

۸. سپهر، احمد علی، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸، ج ۲، تهران: ادیب، ۱۳۶۲، ص ۸۰.

سیدالشهداء را دمکرات میدانستند؛ مردم را به وطن دوستی دعوت می کردند و حال با کناباتی به قوام، او را از طرفداران سیاست انگلیس معرفی می کردند.^۱ کمیته حافظین استقلال بعد از عاشورا، اعلانی را طبع کرد و به در و دیوار چسپانید که موضوع آن، خطاب به قوام الملک بود: شما از کنسول انگلیس پول گرفته اید و به دولت و ملت خیانت می کنید؛ این مسئله سبب درگیری نیروهای قوام با ژاندارمری شد؛ روز دوازدهم صفر ژاندارم ها جنگ را شروع کردند. جنگ داخلی، دوازده روز طول کشید و در نهایت، قوام فرار کرد. ژاندارم ها پیش رفته، خانه قوام و طرفداران وی را غارت کردند؛^۲ این مسئله وجهه افراد ژاندارم را در میان مردم کاهش داد. نحوه رفتار ژاندارم های پیروز با اموال و اطرافیان قوام، نخستین اختلاف میان آن ها با دمکرات ها و میلیون شیراز را موجب شد، زیرا همراهی روحانیت و رؤسای مجاهدین جنوب، بیش از پیش به آنان امکان دفاع از وطن را داده بود.^۳ در مورد اسرا، واسموس پیشنهاد کرد که زنها به بوشهر انتقال یافته و به کمیسر انگلیس مقیم آنجا تحویل داده شوند، ولی مردان را به صورت اسیر در ناحیه/هرم به رئیس قبایل تنگستانی تحویل دهند. این عده تا ژوئن سال بعد در آنجا بودند، سپس به موجب معاهده مبادله اسرا، آزاد شدند.^۴ نیروهای ژاندارم خیلی زود ناتوانی خود را در تسلط بر شیراز نشان دادند؛ این ناتوانی از سویی ناشی از مشکلات مالی بود، ولی در اصل به دلیل عدم همراهی دمکرات ها در این مرحله بود. حزب دمکرات دارای شعب متعدد و اعضای بسیاری در شیراز بود و امور سیاسی شهر را در دست داشت؛ همچنین ژاندارمری برای پرداخت حقوق نفرت خود و دریافت مساعده، تجار و ملاکین را تحت فشار قرار داده بود؛ خرابی اوضاع اقتصادی، مانع از دستیابی آنان به مقصود شد در نتیجه ژاندارمری، متوسل به اقدامات شبه انقلابی در برابر ثروتمندان گردید که این مسئله بر ناراضی مردم دامن زد.^۵ قوام الملک چون تاب مقاومت نداشت، به لار فرار کرد؛ افراد کمیته حافظین استقلال - بر اساس اسنادی که از کنسولگری انگلیس به دست آورده و انتشار داده بودند- وی را متهم به گرفتن پول از انگلیس کردند.^۶ در حالی که ژاندارمری گرفتار شیراز بود، قوام الملک به بندر لنگه و از آنجا به بوشهر رفت و توانست نظر مساعد انگلیسی ها را برای کسب حمایت سیاسی و دریافت کمک مالی و تسلیحاتی جلب نماید. او سپس از طریق بندرعباس به نواحی شرقی فارس وارد شد و عشایر خمسه را در جنگ علیه ژاندارمری با خود همراه ساخت. تبلیغاتی که او در مورد قدرت و

۱. رکن زاده و آدمیت، ص ۲۰۰.

۲. همان، ص ۲۲۵-۲۳۲.

۳. اعضای هیئت علمی کنگره، مجموعه مقالات رئیس علی دلواری (قیام جنوب در جنگ جهانی اول) بوشهر: علوی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۷ و ۱۵۹.

۴. مونت اسکرین، سرکار، جنگ جهانی اول در ایران (خاطرات سرکارمونت اسکرین)، غلام حسین صالح یار، تهران: سلسله، ۱۳۶۳، ص ۲۸.

۵. مجموعه مقالات رئیس علی دلواری، ص ۱۵۹.

۶. میرزایی دره شوری، غلام رضا، قشقای ها و مبارزات مردم جنوب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۹.

مهمات خود به راه انداخته بود ژاندارمری را هراسان ساخت؛ در نتیجه با شتاب، اردویی تشکیل شد و به نواحی شرقی فارس اعزام گردید. هدف از تشکیل این اردو علاوه بر مقابله با قوام‌الملک، جمع‌آوری مالیات ایلات خمسه نیز بود و این امر بر دشمنی آنان با ژاندارمری افزود. این اردو در شهر فسا در مقابله با حریف درهم شکست و راه شیراز بر روی قوام‌الملک گشوده شد.^۱

دلایل شکست نیروهای ژاندارم و حزب حافظین استقلال

نبردی که بین نیروهای ژاندارم و نیروهای قوام در گرفت، در واقع شکست نظامی حزب محسوب می‌شد. عزیمت و وسترو از شیراز، بر فعالیت آلمانیها تأثیر منفی گذاشت و باعث عدم تحقق وعده‌های او مبنی بر تأمین اسلحه، مهمات و پول برای ژاندارمری گردید.^۲ حکومت مرکزی نیز با قطع بودجه ژاندارمری فارس [هرچند که مدتها بود پرداخت نمی‌شد] باعث کاهش توانایی ژاندارمری گردید.^۳ با پیوستن نیروهای صولت‌الدوله به قوام‌الملک، مخالفان ژاندارمری تقویت شدند. در این زمان، افکار عمومی نیز کاملاً علیه آن‌ها برانگیخته شده بود، زیرا آنان در ابتدا، اقدامات خود را براساس دستور دولت توجیه می‌کردند، اما با روشن شدن نظر دولت، مردم چندان به همکاری با آنان راغب نبودند؛ علاوه بر این، اقدام‌های خودسرانه ژاندارمری در تخریب و غارت برخی منازل مردم شیراز در زمان قیام، نفرت اهالی را برانگیخته بود و در آستانه ورود قوام، کودتایی به نفع او روی داد.

سلطان قاسم‌خان فتح‌الملک، از افسران ژاندارمری طرفدار قوام که در زندان به سر می‌برد، توانست از زندان فرار کند و رهبری کودتا را بر عهده گیرد. او با کمک ژاندارم‌های مخالف، کنترل شهر را به دست گرفت.^۴ فتح‌الملک با کمک مالی انگلیسی‌ها توانست فرماندهان ارشد ژاندارمری از جمله ماژور انگمان، رئیس ژاندارمری فارس و ماژور اریکسون، آلمانی‌های مقیم شیراز و مدیران روزنامه‌های جامجم، حیات و تازیانه را بازداشت کند. وی برخی از فرماندهان کودتا را اعدام کرده و عده‌ای از افسران ایرانی آن را در قمشه تحویل روسها دادند. در واقع با مرگ یاور علی‌قلی خان که طراح و مجری اصلی حزب بود از قیام ژاندارمری و حزب حافظین استقلال جز خاطره‌ای باقی نماند.^۵

پس از سرکوب قیام ژاندارمری، اغتشاشات در فارس، ابعادی گسترده و غیرقابل‌کنترلی به خود گرفت، تا آنجا که اعتبار انگلیس در مناطق جنوبی ایران به پایین‌ترین سطح خود نزول کرد. این امر علاوه بر موفقیت‌های قوای ترک و آلمان در خارج از ایران، به موفقیت‌های سیاسی آلمان در ایران باز می‌گشت که توانسته بود از انزجار ایرانیان از روس‌ها و انگلیسی‌ها بهره‌گیری تا جایی که چیزی نمانده بود که بخش

۱. مجموعه مقالات رئیس‌علی دلواری، ص ۱۵۹.

۲. روزنامه اتحاد اسلام، سال اول، شماره ۵۱، ۴ ربیع الاول ۱۳۳۴، ص ۳-۴.

۳. روزنامه رعد، سال ۷، ش ۷۶، ۲۶ صفر ۱۳۳۴، ص ۱.

۴. فراش‌بندی، علی‌مراد، تاریخچه حزب دمکرات فارس، ص ۱۳۱.

۵. احرار احمد، توفان در ایران، ص ۵۹۹.

اعظم تنها نیروی نظامی مستقل ایران، یعنی ژاندارمری که زیر نظر افسران سوئدی و ایرانی اداره می‌شد، به همراهی عده‌ای از رجال و دولتمردان ایران، بی‌طرفی ایران را در جنگ به سود متفقین بشکنند.^۱

در حین قیام ژاندارمری فارس، دولت انگلیس بر پایه موافقت سپهدار و به وسیله ژنرال سایکس در استان -ها و بنادر جنوب، نیرویی متشکل از چندین هزار نفر از داوطلبان محلی را زیر نظر و تعلیم افسران انگلیسی و هندی با همکاری شماری از افسران جزء ایرانی به نام «تفنگداران جنوب» تشکیل داد. مرکز آن در شیراز و شاخه‌های آن در اصفهان، کرمان، یزد و بندرعباس حضور فعال داشتند. در شیراز، فرمانفرما، استاندار فارس، برای تثبیت تفنگداران جنوب، به ژنرال سایکس کمک کرد. سایکس - که از سال ۱۸۹۴م. تا ۱۹۱۳م. کنسول انگلیس در کرمان بود و به منطقه آشنایی کامل داشت و به زبان فارسی مسلط بود- در هجدهم ربیع‌الاول ۱۳۳۴ق. / ۲۴ ژانویه ۱۹۱۶م. به فرماندهی پلیس جنوب، برگزیده شد. او در ربیع‌الثانی ۱۳۳۴ق. / مارس ۱۹۱۶م. وارد بندرعباس شد و دو ماه بعد، کرمان و بلوچستان را تصرف کرد؛ آن‌گاه دستور حمله به فارس، را صادر نمود. پلیس جنوب بعد از شکست عشایر فارس پیروزمندانه وارد شیراز شد.^۲ ژاندارمری فارس هم به تفنگداران جنوب پیوست. وثوق‌الدوله آن را در فروردین ۱۳۳۶ق. / ۱۸۱۹م. به رسمیت شناخت و به این ترتیب، به «پلیس جنوب» تغییر نام داد. انگلیس، پلیس جنوب را با هدف حفظ امنیت راه‌های جنوب -که آن زمان در معرض تهدید طوایف قشقایی و سایر ایلات و عشایر جنوب بود- تشکیل داد.^۳ انگیزه اصلی این اقدام انگلیسی‌ها، بسته‌ماندن راه شاهی (بوشهر - شیراز) بود که با معضل ناامنی روبرو شده و این امر برای اتباع انگلیسی و کالاها و مال‌التجاره آنها مشکلات فراوانی فراهم نموده بود.^۴

عده‌ی دیگری‌های انگلیس، با قبایل غارتگر و راهزنان حرفه‌ای و محلی بود؛ این عملیات بیشتر به مناطق شمال - شمال شرقی شیراز تا دریاچه نیریز و مناطق مرزی فارس و کرمان محدود می‌شد. به طور کلی، کنار آمدن با راهزنان مشهور بسیار دشوار بود، زیرا موضع آن‌ها با توجه به مسائل روز تغییر می‌کرد؛ به علاوه، بسیاری از آنها با حکام، اعیان و کلاترها، پیوندهای سیاسی یا تجاری تنگاتنگی داشتند. که انتظار می‌رفت ده‌نشینان که پار سنگین مالیات‌های گزاف و غیرقانونی و هزینه حفاظت راه بر دوش آنها بود، دست کم با پلیس جنوب همکاری کنند، زیرا تنبیهات سختی برای روستاییانی که با غارتگران همکاری می‌کردند در نظر گرفته شده بود، اما روستاییان از دادن اطلاعات به پلیس جنوب امتناع می‌کردند.^۵

دلیل دیگر تأسیس پلیس جنوب این بود که از اقدامات تخریبی و تحریکات دولت‌های اروپایی در

۱. سپهر، احمد علی، *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴*، ج ۲، تهران: ادیب، ۱۳۶۲، ص ۲۳۱ و ۲۳۷.

۲. مشایخی، عبدالکریم، «بازخوانی تاریخ معاصر شیوه‌های انگلستان در کنترل قیام‌های ضد استعماری» *مجله زمانه*، شماره ۵۲، دی ۱۳۸۵، ص ۶.

۳. بیانی، خان‌بابا، پلیس جنوب (S.P.R.)، بررسی‌های تاریخی، شماره ۷۸، صفحه ۸۴.

۴. بیات، کاوه «جنگ جهانی اول در جنوب ایران (گزارش‌های کنسول‌گری بریتانیا در بوشهر): کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد شهادت رئیس‌علی دلواری، ۱۳۷۳، ص ۷۶.

۵. پیرا، فاطمه، در «پلیس جنوب ایران (SPR)»، *مجله فرهنگ*، پاییز ۱۳۸۱، شماره ۴۳، صص ۱۱۷ تا ۱۳۸.

ایران جلوگیری شود و اعتبار و آبروی انگلیس را در جنوب ایران دوباره زنده کند. این نیرو که اندیشه برپایی آن از اوایل سال ۱۳۲۰ ق. / ۱۹۰۳ م. در ذهن سیاستمداران انگلیسی نمود یافت، در ظاهر برای حفظ امنیت راههای جنوبی و در اصل به منظور حفظ نفوذ انگلیس در نواحی جنوب ایران پدید آمده بود. مقصود انگلیسی‌ها از ایجاد این قشون - که ضربه‌های سهم‌گینی به پیکر استقلال ایران وارد آورد - این بود که سیاست خدعه و نیرنگ خود را در نواحی جنوبی ایران با یک قوه منظم همراه نمایند تا همچون قزاق‌خانه، افراد آن ایرانی باشند، اما با لیره انگلیسی و صاحب‌منصبان انگلیسی تربیت شوند و در جنوب ایران حکم همان قزاق‌خانه را در نواحی شمالی ایران پیدا نمایند. به هر صورت، پلیس جنوب به طور کلی حکم دسته قشون اجنبی را داشت که در خاک کشور دیگری ساخلو داده شده تا مأمور سرکوبی عده‌ای مردم بی‌گناه و بی‌پناه باشد.^۱ دو دولت روس و انگلیس، تمام این اقدامات نظامی را براساس قرارداد ۱۹۰۷ م. و به عنوان ایجاد امنیت در منطقه نفوذ خود انجام دادند. آن‌ها برای فروش کالاهای خود در ایران، به امنیت احتیاج داشتند و به همین دلیل بود که هزینه‌های این ارتش‌ها را تقبل می‌کردند. پلیس جنوب در واپسین لحظات حیات خود، قبل از ادغام در ارتش نوین ایران، همچنان زیر نظر افسران انگلیسی فعالیت می‌کرد و شامل ۵۴۰۰ سرباز ایرانی، ۴۷ افسر انگلیسی، ۲۵۶ افسر جزء انگلیسی و هندی و ۱۹۰ افسر جزء ایرانی بود.^۲

نتیجه:

بررسی‌ها مشخص می‌کند که دولت انگلیس، چندین هدف را از تشکیل ژاندارمری فارس دنبال می‌کرد: نخست اینکه علاوه بر خودداری از پرداخت عوارض راهداری در مسیر، امنیت راههای جنوب را نیز تأمین کند تا بازرگانان انگلیسی در امنیت به داد و ستد بازرگانی با نواحی جنوبی و مرکزی ایران پرداخته، نفوذ خود را در این مناطق بیشتر کنند. دوم اینکه در تقابل با دولت روس که با داشتن بریگاد قزاق در شمال ایران که از آن همچون اهرمی برای فشار بر دولت مرکزی ایران استفاده می‌کرد، انگلیس نیز با داشتن نیرویی متشکل از افسران انگلیسی یا کشوری بی‌طرف و افراد بومی بتواند بر قدرت مرکزی اعمال نفوذ کند. ژاندارمری فارس با کمک مستشاران سوئدی از افراد محلی تشکیل گردید و در مدت کوتاهی پس از تأسیس، کفایت خود را در برقراری امنیت راههای حوزه استحفاظی خود نشان داد. این نیرو در ابتدا کاملاً مطیع انگلیسی‌ها بود و کنسولگری انگلیس را از کارهای خود آگاه می‌کرد، اما پس از مدتی، افسران ژاندارمری با پی بردن به این مسئله که دولت انگلیس در پی سوء استفاده از آنهاست، سیاست خود را در قبال انگلیس تغییر داد.

با آغاز جنگ جهانی اول، ژاندارمری فارس تحت تأثیر فرماندهان سوئدی خود و کنسولگری آلمان، به

۱. غلامرضا وطن‌دوست و حسن جلیل‌پور، جنگ جهانی اول و برپایی ژاندارمری در فارس، تهران، به دید، ۱۳۸۰،

ص ۶۳-۶۴.

۲. نایب‌پور، محمد، «تحولات ارتش از عهد قاجار تا پایان سلسله پهلوی»، مجله زمانه، دی ۱۳۸۵، شماره ۵۲،

ص ۴-۱۳.

اهداف دولت آلمان گرایش پیدا کرده بود و چون مواجب آنها دیگر توسط دولت انگلیس پرداخت نمیشد و افراد ایرانی ژاندارمری از دخالت‌های انگلیس در وطن خویش به ستوه آمده بودند، دست به قیام زدند. در طول مدت قیام، کنسولگری انگلیس، بانک شاهنشاهی و تلگراف شیراز را به تصرف در آورد. در آن برهه زمانی، بیشتر امور شیراز در دست حزب دموکرات بود؛ بنابراین افراد ژاندارمری با پیوستن به این حزب، «حزب حافظین اسقلال» را بنیاد نهادند.

قیام ژاندارمری به دلایلی از جمله پرداخت نشدن مواجب؛ خروج ووسترو، کنسول آلمان از شیراز که قرار بود پول و اسلحه در اختیار ژاندارمری قرار دهد؛ برخورد نادرست افراد ژاندارمری با طرفداران دولت انگلیس؛ کمک مالی و نظامی انگلیس به طرفدارانش؛ متحد شدن قوام‌الملک طرفدار انگلیس با صولت‌الدوله قشقایی؛ شکست نظامی افراد ژاندارمری در نبرد فسا؛ کودتای افراد ژاندارمری مخالف قیام و روشن شدن موضع مخالف دولت مرکزی در قبال این قیام، به نتیجه مطلوب دست نیافت.

دولت انگلیس که و همچنان در پی نفوذ اقتصادی بیشتر و تأمین امنیت در این نواحی بود، در حین قیام، با نیرویی متشکل از افسران انگلیسی و هندی و افراد بومی، «پلیس جنوب» را بنیاد نهاد که وظیفه‌اش همانند ژاندارمری فارس، حفاظت از مسیرهای کاروان رو؛ مستحکم کردن مواضع دولت انگلیس و ایجاد نیروی نظامی وابسته به خود در جنوب، همانند بریگاد قزاق وابسته به روسیه در شمال کشور بود.

